

عبدالحسین آذرنگ

(نویسنده، محقق و از

کارشناسان کتاب و نشر)

بحرن کتابفروشی از بحران سایر جنبه‌های کتاب جدا نیست. در زنجیره کتاب، از پدید آوردن تا خواندن، از کوشش برای یافتن تا تلاش برای دریافتن، کتابفروشی یکی از حلقه‌های این زنجیره است. بحران کتابفروشی، در کشورهایی که خود گرفتار بحرانهای دیگری، مثلاً اقتصادی، سیاسی یا اجتماعی هستند، شدت بیشتری دارد و این خود به مشکلات فرهنگی دامن می‌زند، زوال فکری و معنوی را شتاب می‌بخشد، بر بی‌سوادی و کم‌سوادی می‌افزاید، و به جای تأثیر مثبت در روند تولیدی جامعه، چه مادی و چه معنوی، در رشد و توسعه اثر ناگوار می‌گذارد، و اینها همه رقت بار و تأثیر انگیز است.

جهان در مسیر حرکتش به خم تازه‌ای رسیده است، به آستانه تعبیر قرن و ورود به هزاره‌ای دیگر. این گونه چرخشها، هر قدر هم که نمادین یا صوری باشد، نشانه‌ای از تلاش دیرپای آدمی برای بهتر دیدن و روشتر دیدن آینده است. هیچ خردمندی گام نهادن به وادیهای ناشناخته مه آلود را خوش ندارد. گزینش بد از میان بدترین‌ها و بدها، انتخاب از فرط استیصال و از سر اضطرار است، وگرنه در اوضاع و احوال عادی، گزینش خوبترین و خوب، انتخاب انسان خردمند است. چشم‌انداز کتابفروشی در جامعه ما، جامعه‌ای که بنا به برآوردها و پیش‌بینی‌ها، در نسل دیگر جمعیتش از ۱۰۰ میلیون فراتر می‌رود و به یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای وسیع منطقه جغرافیایی خود تبدیل می‌شود، نه تنها امیدبخش نیست، سهل است که سخت نگران

کننده است. در عصر به اصطلاح «پُست مدرن»، عصری که شاید همه هدفهای رشد و توسعه عصر «مُدرن» را تحقق یافته قلمداد می‌کند، و تلقی و معنای دیگری از مفهوم رشد و توسعه دنبال می‌شود، حل نشدن مشکلات نخستین و مسائل پایه، نظیر مهار شدن افزایش بی‌رویه جمعیت، راههای جلوگیری از رشد بی‌سواد و کم‌سواد، راههای جلوگیری از غلبه بی‌فرهنگی بر کانونهای جمعیتی با فرهنگ، و نظایر آنها، بحران غم‌انگیز کشورهای در حال گذر از مراحل توسعه است. این بحران در همه شوون زندگی، در همه جنبه‌های سیاسی - اجتماعی - فرهنگی، آموزشی - پژوهشی و غیره رسوخ می‌کند، و عرصه گسترده کتاب، به عنوان مهمترین ساخت فرهنگ، از آن برکنار نمی‌ماند.

در نخستین گردهم‌آیی که به کوشش اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران در خصوص بررسی مسائل و مشکلات کتابفروشی در ایران برگزار گردید، و جزئیاتی از آن را در این نوشته می‌بیند، گروهی از علاقه‌مندان به کتاب و نشر، از چهره اولی‌ترین و ابتدایی‌ترین مشکلات کتابفروشی در ایران، یا شاید هم از گوشه‌ای از چهره آن، نقاب بر گرفتند. آنچه به دنبال می‌آید، روایت یا گزارش این بنده است از همان گردهم‌آیی، براساس مشاهداتم و نیز یادداشت‌هایی که برداشته‌ام. و اگرچه مسؤلیت اداره نشست آخر این گردهم‌آیی و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری با بنده بود، اما این روایت مطمئناً روایت رسمی یا روایت مورد تأیید اتحادیه ناشران و کتابفروشان، یا روایت گرداندگان و شرکت‌کنندگان نیست؛ برداشتی شخصی است که ممکن است با برداشتهای دیگر از جهاتی تفاوت داشته باشد. این گردهم‌آیی اهمیتهای خاص خود را دارد و انعکاس تفاوت نظرها و همه برداشتها و تحلیلها و تفسیرها، مطمئناً به درک بهتر آن کمک می‌کند. اگر اتحادیه ناشران و کتابفروشان علاقه‌مند باشد که این روایت را روایت رسمی خود بدانند، می‌تواند متن آن را در نشریه‌اش عیناً چاپ کند، یا احیاناً تفاوت برداشت و نظر خود را یادآوری نماید.

روز ۲۴ فروردین ۱۳۷۸، گردهم‌آیی یک روزه‌ای به قصد بررسی مسائل و مشکلات کتابفروشی در ایران، با حضور جمعی از ناشران و کتابفروشان و علاقه‌مندان به مسائل نشر و کتابفروشی، در فضای نسبتاً وسیعی در محل اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران برگزار گردید. این گردهم‌آیی به دعوت همین اتحادیه بود و با اینکه خبر آن درست در مطبوعات درج نشده بود و عده زیادی از علاقه‌مندان از برگزاری آن با اطلاع نشده بودند، اما رویهمرفته استقبال شرکت‌کنندگان مثبت و گرم بود، و تأکید عده‌ای از حضار بر تشکیل نشست‌هایی نظیر این، و گلایه شماری دیگر که چرا اتحادیه تاکنون از این نشست‌ها نداشته است، و طرح بسیاری نکات، تأییدی بر این استقبال بود. گردهم‌آیی در عین حال در زمانی برگزار می‌شود که می‌توان مسائل را بی‌پروا

باز کرد و گشود، البته به طور نسبی؛ آن هم پس از سالهای سال که صنف ناشران و کتابفروشان خود را به شدت زیر فشار سیاسی - اقتصادی و در تنگنای فرهنگی حس می کرده است. هر چند که از بار مشکلات اقتصادی و فرهنگی چیزی کم نشده است، اما کاهش محسوس فشار سیاسی، برای طرح سخن در عرصه های جدید، خود به تنهایی کافی است.

از نکاتی که در این گردهم آیی، جلب توجه بسیار می کرد، حضور دست کم سه نسل از ناشران و کتابفروشان بود، و تفاوت های چشمگیر در نظرگاهها، تحلیلها و چشم اندازهای آینده شان. نسلی که انگار فقط به گذشته می نگرد و شاید فقط بر این باور باشد که حفظ یا احیای ارزشهای پیشین است که مانع هرگونه زوال است. و نقطه مقابل آن، نسلی که در فضای پر آشوب و تنش بالیده، با واقعتهای سخت و سرد دست و پنجه نرم کرده، دیگ آب سردش از ارزشهای پیشین ذره ای گرم نشده است، مدام خود را با همتاهايش در این سو و آن سوی جهان می سنجد، با تلاش و تقلا به آینده نظر دارد، و چه بسا میراثهایی را که می گویند محصول تجربه های متمادی و فراوان است، و باز می گویند که به او ارث رسیده است، ناکار آمد می یابد. در مسائلی که نمایندگانی از این نسل طرح می کنند، در تحلیلها، راهجویی ها و پیشنهادها، رگه هایی از تفکر و اندیشه جدید و کوشش برای ورود به عصری جدید، دیده می شود. و بالاخره نسل دیگری که شاید بتوان گفت نسل میانین است، نسلی میان این دو، و با دیدگاهها و تحلیلهایی میان این دو، و گاه نزدیک به آن یک و دور از این یکی و بالعکس، و شاید هم در نوسان، نسلی که اگر ارزشهای گذشته غالب شود دل به آنان می بندد، و اگر جبر حرکت به سوی آینده او را به دنبال خود بکشاند، به ناگزیر به آن تن می دهد. البته این گونه تفکیک، خاص ناشران و کتابفروشان نیست، اما ویژگیهای خاصی از این تفکیک در میان ناشران و کتابفروشان دیده می شود، و شاید شناختن همین ویژگیهای خاص باشد که خطوط اصلی چهره این صنف را در همین زمان ما آشکار کند.

گردهم آیی در سه نشست برگزار شد، دو نشست در صبح و یک نشست در بعدازظهر. نشست اول، که اداره آن را محسن باقرزاده، مدیر انتشارات توس به عهده داشت، به طرح مسائل اختصاص یافت. مشکلات کتابفروشان چیست؟ همان پرسش اصلی که گردهم آیی باید تلاش می کرد آن را بشناسد، درست تعریف و تحلیل کند، و راه حلی برای آن بیابد یا پیشنهاد کند. مشکل کتابفروشان، در واقع همان مشکل کتابفروشی است و مشکل کتابفروشی ظاهراً همان مشکل کتابفروشی است، مشکل شغلی که خرج و دخلش یا به سختی تراز می کند یا در قیاس با سایر شغلها و محاسبه میزان و گردش سرمایه و برگشت سود، شغلی است زیان ده. و طبعاً شغلی که به این مشکل اقتصادی دچار شود، از تحصیل نخستین امکانات برای برطرف ساختن

سایر مشکلاتش، عاجز می‌ماند. از این مشکل عمده که بگذریم، مشکلات دیگری هم طرح می‌شود که به آنها اشاره می‌کنیم.

نشست دوم، که اداره آن با علی رامین، مترجم و از کارشناسان مسائل کتاب و نشر بود، به بحث و بررسی بیشتر مسائل و تحلیل نسبی نکاتی چند از مشکلات اصلی کتابفروشی اختصاص یافت. به ویژه نمایندگانی از نسل نو کتابفروشان نظرگاهها و تحلیلهای خود را در این نشست بیان کردند و خطوط اصلی بحث در همین نشست کشیده شد. خود علی رامین هم تجربیات مستقیمش را درباره شیوه‌های امروزی کتابفروشی، به ویژه در سطح کلان، و تجربه فروشگاههای زنجیره‌ای شهر کتاب در ایران، با حضار در میان گذارد.

نشست سوم، پس از صرف ناهار و استراحتی کوتاه، بعد از ظهر برگزار شد و به جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و رسیدن به پیشنهادهای مشخص برای ارائه به اتحادیه ناشران و کتابفروشان اختصاص داشت. اداره این جلسه با عبدالحسین آذرنگ بود.

پس از پایان بحثهای گردهم‌آیی، سه نسل در کنار هم ایستادند و عکسی دسته جمعی به یادگار گرفتند. بار زحمات این گردهم‌آیی بر دوش عده‌ای بود که با علاقه بسیار، پشت صحنه و به دور از دید و نظر تکاپو می‌کردند: مجید ملک‌ان، نویسنده، مترجم و ویراستار، که به اداره بهتر جلسات کمک می‌کرد و با بیداری و هشیاری هر نکته مهمی را یادداشت می‌کرد، تذکر می‌داد و موتور حرکت جمع را تنظیم می‌نمود و سرعت می‌بخشید؛ شماری از ناشران و کتابفروشان علاقه‌مند و اعضای اتحادیه که از مدتی پیش در تدارک این گردهم‌آیی و به رایگان در خدمت همه شرکت‌کنندگان بودند و بیشترین سهم را در اجرای مناسب آن دارند.

به طور کلی ۳۴ مسأله و مشکل، به عنوان عمده‌ترین مسائل و مشکلات امروز کتابفروشی در ایران، که اقتضای راه حل می‌کند، از خلال مسائل و مشکلات فراوانی که مطرح گردید، بیرون کشیده شد. و اینها را می‌توان در سه دسته کلی جای داد:

۱ - مشکلاتی که خود آنها را درست نمی‌شناسیم و علتهای و ریشه‌های آنها را درست نمی‌دانیم، و هرگونه بحث و گفت‌وگو در این باب فقط اظهار نظر و عقیده غیر تحقیقی است و راه به جایی نمی‌برد. این دسته از مشکلات به پژوهشهای خاص نیاز دارد و طرحهای پژوهشی که از طریق دانشگاهها، پژوهشگاهها، یا به کوشش و اهتمام پژوهشگران آزاد به اجرا گذارده شود، اگر که به نتایج مشخص برسد، آن نتایج را می‌توان به بحث و گفت‌وگو نهاد و بر سر آنها به توافقی در جهت برنامه عملی رسید، مانند «اقتصاد نشر»، «اقتصاد کتابفروشی» و نظایر آنها.

۲ - مشکلاتی که درست می‌شناسیم، تجربه‌های مستقیم و دست اول دربارهٔ آنها داریم. اما بر سر راه حلهای آنها توافق نظر نداریم و می‌توانیم به توافق برسیم. فقط کافی است که در چند نشست به بررسی جوانب پیردازیم و تصمیم بگیریم، مانند «مشکل تخفیف در کتابفروشی»: تخفیف چیست، چه مسائل و مشکلاتی برای کتابفروشان ایجاد کرده است و سیاست مشترک و روش متحد کتابفروشان در قبال آن چگونه باشد؟ کتابفروشان به سهولت نسبی می‌توانند آن بخش از مشکلاتشان را، که در این دسته جای می‌گیرد، حل کنند.

۳ - مشکلاتی که درست نمی‌شناسیم، برای آنها راه حل مشخصی نداریم، بر سر آنها توافق نظر نیست، اما می‌توانیم از راه نشستهای عمومی و جلسه‌ها و گروه‌های تخصصی و کارشناسی، به تصویر روشن یا روشنتری از آنها دست یابیم و راه را برای حل آنها باز کنیم، مانند این مسائل: «آموزش کتابفروشی چرا لازم است و چگونه می‌توان آن را شروع کرد؟»، «مشکل سرقت کتاب از کتابفروشها را چگونه می‌توان کاهش داد؟»، «رفتار کتابفروشان با مشتریان و بالعکس را چگونه می‌توان اصلاح کرد و اعتلا بخشید؟» و نظایر اینها.

بر سر این سه دسته از راه حلها چه مشکلی وجود دارد و چه چیزهایی مانع تحقق آنهاست؟ در بررسی و نتیجه‌گیری اجمالی، شاید بتوان گفت این مشکلات:

- اتحادیهٔ ناشران و کتابفروشان، مشکلات ساختاری درونی دارد و فعلاً یکپارچه، فراگیر، متحد و نیرومند نیست.

- بودجهٔ لازم و کافی، و نیز آینده‌نگری و دوراندیشی برای اجرای طرحهای پژوهشی و برنامه‌های آموزشی ندارد؛

- مدیریت و رهبری آن با تأیید جمعی اعضا مواجه نیست؛

- اختلاف سطح در دانشهای تخصصی و نگرش و تحلیل اعضا از موانع بزرگ همسویی و کار مشترک گروهی است؛

- درجهٔ مخاطره‌پذیری در اقدامات اتحادیه، به لحاظ بی‌ثباتی و تغییر مداوم سیاستهای دولت، نامشخص بودن سیر رویدادهای اجتماعی و روشن نبودن چشم‌اندازها، بالاست؛

- بی‌تجربگی یا کم‌تجربگی اتحادیه، و اینکه سابقهٔ چشمگیری در رویارویی جدی با مشکلات و حل و فصل آنها نداشته است، برای جلب مشارکت نویدبخش نیست؛

- و شاید ناتوانی و کم‌توانی اتحادیه در استفاده از امکانات بالفعل و بالقوهٔ خود، که نکتهٔ کم‌اهمیتی نیست. کدام صنف را می‌توان نام برد که مانند اتحادیه با این همه متفکر، تحلیلگر، پژوهشگر، نویسنده و صاحب اندیشه و قلم و تخصص در ارتباط مستقیم باشد، اما از توان آنها

در برخورد با مسائل و مشکلات استفاده نکند؟ که بالاترید این ناتوانی، از فقدان نگرش کافی به مسائل و مشکلات ساختاری خود اتحادیه سرچشمه می‌گیرد.

- و بالاخره نداشتن سیاست مصرح، مدون، مصوب، برنامه مشترک کار و عمل، و هدفهای تعریف و توافق شده، که از سایر جنبه‌ها جدا نیست.

روشن است که تا این مانعها از سر راه برداشته نشود، راه‌حلی به نتیجه نمی‌رسد. اما معنای این گفته این نیست که اتحادیه دست روی دست بگذارد و به انتظار بنشیند. چه بسا که تلاش در راه اجرای یک یا چند راه حل، بر مناسبات درونی و ساختار اتحادیه تأثیر بگذارد و گامی در جهت تحوّل باشد. در هر حال، مسائل و مشکلات سی و چند گانه‌ای را که از جانب کتابفروشان و ناشران - کتابفروشان در گردهم‌آیی طرح شده است، شاید بتوان به این صورت دسته بندی کرد:

الف) مشکلات اقتصادی

- ۱) کتابفروشی شغل با درآمدی نیست و این خود به تنهایی نه فقط آینده این شغل را تهدید می‌کند، که چشم‌اندازی جذاب برای روی آوردن علاقه‌مندان به این کار ترسیم نمی‌کند.
- ۲) حاشیه سود کتابفروشی معلوم و مشخص نیست و اقتصاد کتابفروشی در ایران تاکنون نتوانسته است منطق اقتصادی خود را تعریف و تحدید کند.
- ۳) هزینه‌های فرهنگی مردم به طور متوسط در صد مهمتی از سر جمع هزینه‌های آنها نیست و در سبد خرید خانواده، کتاب تقریباً هیچ جایی در کنار سایر کالاها ندارد، و این شاخص نشانه گویایی از بحران اقتصادی نشر نیز هست.
- ۴) تلبار شدن بخشی از کتابهای خرید شده و فروش نرفته، که هم رکود سرمایه است و هم موجب بروز مشکل جا. بنا به برآورد تقریبی، حدود ۲۰ درصد کتابها در کتابفروشیها (برابر با یک پنجم کل کتابها) و به اصطلاح کتابفروشان «باد می‌کند» یا «رسوب می‌کند» یا «سنگ می‌شود».
- ۵) اگر راه حلی برای بازگرداندن این دسته از کتابها به ناشران پیدا شود، هم باری از دوش کتابفروشان برداشته می‌شود و هم به عنوان بازخوردی گویا به ناشران کمک می‌کند که بهتر تصمیم بگیرند در چه زمینه‌هایی کتاب منتشر کنند و در چه حوزه‌هایی نه. بسیار اتفاق می‌افتد که ناشرانی گمان می‌کنند کتاب آنها فروش رفته است، حال آنکه کتابشان در کتابفروشیها رسوب کرده و سنگ شده است.
- ۶) مشکل پرداختها، باز پرداختها و اصولاً بی ضابطه بودن مناسبات و روشهای مالی - اقتصادی

میان کتابفروشان و ناشران و توزیعگران.

۷) «تخفیف فروش» به عنوان معضلی جدی و آزار دهنده خریداران براساس تصور و توهمی تثبیت شده در جامعه می‌پندارند که کتابفروش باید در صدی از قیمت پشت جلد کتاب را به خریدار تخفیف بدهد. گفت و گو، بحث، و گاه حتی جر و منجر میان خریداران و کتابفروشان به مشکلی روزانه تبدیل شده است، حال آنکه درآمد کتابفروش از همان درصد یا درصدهایی است که محل مناقشه است. ضابطه‌مند شدن تخفیف از ضرورت‌هایی است که هم می‌تواند مشکلی اقتصادی را حل کند و هم مشکلی در روابط و مناسبات روزمره را.

ب) مشکلات فرهنگی - آموزشی، اجتماعی

۸) جایگاه کتابفروشی در نظام ارزشهای جامعه معلوم نیست، و این شغل اعتبار و احترامی را که در سایر کشورها معمولاً دارد، در ایران ندارد.

۹) رفتار نامناسب برخی از افراد با کتابفروشان و اصولاً با صنف کتابفروشی.

۱۰) رفتار غیرحرفه‌ای و بدور از آداب معمول و اخلاق رایج کتابفروشی برخی از کتابفروشان کم تجربه و آموزش نیافته با مردم.

۱۱) آگاه نبودن شماری از کتابفروشان از ارزشهای واقعی کتابفروشی، بهره‌ها و لذت‌های معنوی - فرهنگی شغل کتابفروشی، و ناتوانی در انتقال این ارزشها به دیگران.

۱۲) فقدان دوره‌های مناسب آموزش نظری و عملی کتابفروشی، آموزش شیوه‌های جدید کتابفروشی، و کتابچینی و کتاب آرایشی در کتابفروشها، ویتترین چینی، آموزش فرهنگ و هنجارهای رفتار با خریداران کتاب، و ارزشهای راستین این حرفه.

۱۳) فقدان ارتباط منظم و مستمر میان اتحادیه ناشران و کتابفروشان با مراکز آموزشی، پژوهشی، علمی و فرهنگی کشور و محافل فکر و اندیشه.

۱۴) سرقت کتاب از کتابفروشها، نامجهز بودن کتابفروشی‌ها، به ویژه کتابفروشهای بزرگ یا پر رفت و آمد یا موجود در نقاط پرتراکم جمعیت، به وسایل، روشها و ابزارهای کنترل، و صریح و روشن نبودن مواد حقوقی - قانونی در این خصوص.

پ) مشکلات حقوقی، رفاهی

۱۵) رابطه میان اتحادیه ناشران و کتابفروشان با نهادهای دولتی، و به ویژه با نهادهایی که خود را مسؤول در امور نشر و کتاب می‌دانند، به تعریفهای روشن و صریح و به ثبات، استمرار، قانونمندی و پیروی از ضوابط ثابت و معین نیاز دارد.

۱۶) مشکل تفکیک انواع کتابهای نایاب و کمیاب و فروش آنها. یافتن کتابهای نایاب و کمیابی که نیازهای آموزشی و پژوهشی جامعه، و به ویژه پژوهشگران را برآورده می‌سازد، از بهترین و ارزشمندترین خدمات برخی از کتابفروشان است. اما فروختن کتابهایی که به لحاظ منع قانونی یا مشکلاتی از این قبیل نایاب و کمیاب شده‌اند، در حال ممنوع است و کتابفروشان، مانند سایر شهروندان، موظف به پیروی از قانون‌اند. تعریف، تفکیک و متمایز ساختن مرزهای این دو از مشکلات قابل بحث است.

۱۷) مشکل بیمه کتابفروشان و داراییها و محل کسب آنها؛ مشکل مالیات و روابط مالیاتی با دارایی؛ مشکل رابطه با واحدهای مختلف شهرداری؛ مشکلات بازنشتگی، از کار افتادگی، آسیمندی، معلولیت و سایر حقوقی که معمولاً همه شهروندان باید به تساوی از آنها برخوردار باشند.

ت) مشکلات اطلاع رسانی

۱۸) کمتر ناشری است که با تهیه معرفی نامه‌های استاندارد، کتابهای تازه انتشار خود را به دیگران، و از جمله به کتابفروشان بشناساند. کتابفروشان نمی‌توانند همه کتابهای مجموعه خود را بخوانند یا حتی مرور کنند و اطلاعات لازم درباره هر کتاب را در اختیار خریداران بگذارند یا به پرسشهای آنها در باب کتابها پاسخ بدهند. تدوین ضوابطی برای دست یافتن کتابفروشان به اطلاعات پایه و لازم درباره کتابهای تازه انتشار، در حال ضروری است.

۱۹) کامپیوتری شدن اطلاعات کتابشناختی مورد نیاز کتابفروشان در شبکه اطلاع رسانی کتابفروشان؛ یا تشکیل بانک اطلاعاتی ویژه کتابفروشان در اتحادیه ناشران و کتابفروشان، و دسترسی همه کتابفروشان و ناشران از طریق شبکه‌ای بسته به آن.

۲۰) استفاده از همه اطلاعات مربوط به کتاب، موجود در بانکهای اطلاعاتی و شبکه‌های اطلاع رسانی موجود در ایران، با برنامه ریزی و سازماندهی اتحادیه؛ شناختن و استفاده کردن از نرم افزارهای اطلاعاتی مناسب برای کتابفروشی و کتابفروشان.

ث) مشکلات مدیریتی، ساختاری، صنفی

۲۱) از تواناییها و ظرفیتهای موجود، کامل و درست استفاده نمی‌شود؛ حتی پاره‌ای از آنها نیز ناشناخته است و از این رو مطالعات خاص در این خصوص ضروری است.

۲۲) آمیخته شدن وظیفه کتابفروشی در برخی کتابفروشیها با وظایف دیگر، مثلاً فروش کالاهای غیر مرتبط با کتاب، یا کرایه و اجاره دادن کتاب. البته این یکی برای جامعه، و به ویژه برای

خوانندگانی که سطح درآمدهایشان پایین است و نمی‌توانند کتاب بخرند لازم است، اما آمیخته شدن این وظیفه با وظیفه کتابفروشی از موضوعات نیازمند بررسی است.

۲۳) تغییر دادن روند کنونی تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی که بر پایه مطالعه و تحقیق نیست، و بیشتر حدسی، تخمینی، استشمامی یا احتمالاً توافقی است.

۲۴) مشکل نظام کنونی کتابفروشی در سطح کلان و خرد؛ مشکل توزیع مراکز فروش کتاب در سطح شهر و نوع روابط ناشر - کتابفروش، توزیع و بخش - کتابفروش، خریدار - کتابفروش و غیره.

۲۵) مشکل کشیدن مرز میان کتابفروشیهای عمومی و تخصصی، اینکه تفکیک کردن این دو دسته تا چه حد، یا در کجاها، لازم و مفید است.

۲۶) نداشتن نهادها یا امکانات مناسب برای تجمع بیشتر، برقراری ارتباط و دوستی، سرگرمی و تفریح، گذراندن سالم اوقات فراغت کتابفروشها و خانواده‌هایشان، مثلاً در باشگاه اتحادیه و نظایر آن.

۲۷) نداشتن استانداردهای طبقه‌بندی و جدول امتیازها و ارزیابیها در صنف برای رده‌بندی انواع مختلف و مدارج و مراتب فعالیتهای صنفی.

۲۸) نداشتن روشهای شناخته شده یا رویه‌های مدون در اتحادیه برای برخورد مناسب با موارد احتمالی بروز اختلاف نظر بین ناشران و کتابفروشان. این دو صنف گرچه در یک اتحادیه متحد شده‌اند و همکاری بسیار نزدیکی با یکدیگر دارند، و گرچه بسیاری از کتابفروشان ناشرانند و بالعکس، اما در نهایت نشر و کتابفروشی دو فعالیت متفاوت است که ممکن است گاه با هم تعارض و تصادم پیدا کند.

از سوی دیگر، سیر عمومی در جهان، فعلاً در جهت تفکیک شدن این دو از یکدیگر است. از این رو، پیش‌بینی احتمال بروز اختلاف نظر، حزم و احتیاطی دوراندیشانه تواند بود.

۲۹) به طور کلی اتحادیه کنونی منسجم و نیرومند نیست. هنوز اتحادیه سراسری کشور تشکیل نشده است و ساختار همین اتحادیه کوچک موجود نیز، تناسب و توانایی رویارویی با مسائل و مشکلات را ندارد، و اصلاح و تقویت آن ضروری است.

ج) نکات دیگر

شرکت کنندگان در گردهم‌آیی، نکات مختلف دیگری را مطرح کردند که چون زیر سر فصلهای دیگر درست جا نمی‌گیرد، تحت همین سر فصل آورده می‌شود:

۳۰) رابطه میان کتاب و کتابخوانی و نشر و کتابفروشی، و اینکه خواندن یا نخواندن چگونه، تا

چه میزان و از چه راههایی بر این دو تأثیر می‌گذارد، از جمله مباحثی است که نیاز به پژوهش جدی از طریق دانشگاهها، پژوهشگاهها و نهادهای تحقیقاتی مرتبط با کتاب و کتابداری و اطلاع‌رسانی در دولت دازد.

(۳۱) نمایشگاههای کتاب و نمایشگاههای پارکها، چه دائمی و چه موسمی و موردی، تأثیری در وضع بازار کتاب دارد که از نظر عده‌ای مثبت و از نگاه عده‌ای دیگر منفی است. تحقیق مستقل در این باره و ارزیابی نقش احتمالی مثبت و منفی آنها لازم است.

(۳۲) تداوم و تکرار نشستهای اتحادیه و پرداختن به مسائل مورد علاقه، نظیر همین موضوع کتابفروشی، و سایر مسائلی که ناشران و کتابفروشان، مبرم و مبتلا به می‌دانند.

(۳۳) تبلیغ، ترویج و نقد کتاب، موضوعی با اهمیت و در خور پژوهشی مستقل شناخته شد.

(۳۴) و نکته آخر اینکه، تشکیل گروه ویژه‌ای در اتحادیه به منظور مطالعات آینده‌نگرانه، و به ویژه با توجه به وضعیت آینده اقتصادی، اجتماعی و آموزشی ایران، تحولات تکنولوژیک و مسائل تکنولوژی اطلاع‌رسانی و تکنولوژیهای نوین چاپ و نشر، پیشنهاد گردید.



این ۳۴ مورد، همان طور که گفته شد، عمده‌ترین رئوس نکاتی بود که از میان مجموع مسائل و مشکلات مطرح شده از سوی کتابفروشان و ناشران در گردهم‌آیی، استخراج و جمع‌بندی شد. شماری از این موارد، بویژه مواردی از آخرین سر فصل، مشکل به معنای سایر مشکلات نیست، بلکه نقص، کاستی یا کمبودی است که در قالب پیشنهاد عرضه شده است. تشکیل گروههای ویژه‌ای برای رسیدگی به تک تک اینها، البته به صورت موضوعی و تخصصی، پیشنهاد گردید. از چند گروه یا کمیته و کمیسیون خاص هم نام برده شد. شماری از ناشران و کتابفروشان هم داوطلب شدند که در این گروهها شرکت کنند و نام خود را نیز در صورت داوطلبان نوشتند. گردانندگان نشستهای گردهم‌آیی در پایان، یادآور شدند که چون همه ناشران و کتابفروشان ذیحق در سمینار حضور نداشته‌اند، و برای اینکه حقی از هیچ صاحب حقی ضایع نشود، هیأت مدیره اتحادیه ناشران به عنوان گروه موقت پیگیری مصوبات و پیشنهادها، زمینه تشکیل همه گروههای تخصصی و مشارکت همه علاقه‌مندان و داوطلبان واجد شرایط را فراهم آورد و در صورت لزوم به تشکیل نشست یا نشستهای لازم عمومی اقدام کند.

این تجمع، نخستین گردهم‌آیی در خصوص بررسی مسائل کتابفروشی در ایران بود، و مطمئناً مقدمه‌ای خواهد بود برای بحثها و بررسیهای تفصیلی‌تر، خاص‌تر و جزئی‌تر در آینده، و شاید هم فتح بابی برای توجه جدی‌تر به کتاب، که بنیاد اصلی دانش و فرهنگ ماست.